

جنبش زن، زندگی، آزادی به مثابه ی انقلاب کپرنیکوسی-کانتی در ایران

علیرضا کیانفر، برلین سپتامبر ۲۰۲۳

در سپتامبر ۱۷۸۳ در ماهنامه برلینی مقاله ای در دفاع از ازدواج سپید بدون امضاء منتشر می گردد و در همان مجله ردیه ای تند (همانند نوشتارهای حسین شریعتمداری در روزنامه ی کیهان) توسط کشیشی پروتستان به نام یوهان فردریش زولنر در برابر این مقاله با انگیزه ی دفاع از دین، دولت و سنت نگاشته می گردد و فریاد هیئات من الذله سر می دهد که این روشن نگری چیست که جز تباهی اخلاق، شرف، آبرو، ناموس و دین چیز دیگری به ارمغان نیاورده است. در دسامبر ۱۷۸۳ امانوئل کانت مقاله ای تحت عنوان روشن نگری چیست را در این مجله چاپ می کند که تیرهای سوزاننده و شکافنده ای بر قلب و جگر زولنر وارد می کند. کانت می نویسد: روشننگری، خروج انسان از آن حالت نابالغی است که او بر خود تحمیل کرده است و همین نشانگر کمبود قابلیت او در به کار بستن خرد بدون هدایت دیگران است. منظور آن نوع عدم بلوغ است که او خود موجب آن است زیرا که علت آن نقص در خرد نیست بلکه در فقدان تصمیم و شهامت او در خرد ورزیدن بدون قیومیت دیگری است. در اندیشه ورزی شهامت داشته باش، این است شعار روشن نگری.

شش سال بعد از این ماجرا، انقلاب فرانسه به وقوع پیوسته و مجموعه ای از تحولات فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اروپا را در هم می نوردد. این چرخش تفکر از زمین-مرکز گرایی به خورشید-مرکز گرایی را در این جستار جنبش و چرخش کانتی کپرنیکوسی نام می نهیم. می توان به جرات و بی محابا اذعان کرد که تغییرات، تحولات و دگرگونی های عمیق، پیشرو، مفید و راهگشا در پرتو این چرخش یا این دست چرخش ها محقق می گردد. تا پیش از آغاز جنبش زن، زندگی و آزادی در ایران جنبش ها، انقلاب ها و پویشها از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی نهایتا سطحی، ارتجاعی، ناکارآمد و رهزن از آب درآمده اند تا مفید فایده و راهگشا.

اما جنبش مهسا-ژینا ماهیتی اندیشه ورزانه داشته و آن گردش یا چرخش روشن نگرانه و جهان بینانه در آن خودنمایی می کند. گردشی که این بار نه همانند دوران روشن نگری صرفا توسط مردان بلکه به واسطه ی کنشگری زنان و سایر اقلیت های جنسیتی و هویتی به وقوع پیوسته است. آری این است شعار روشن نگری: ای زنان و ای تمام اقلیت های جنسیتی، هویتی، فرهنگی و... شجاعت برداشتن تمامی حجاب ها را داشته باشید.